

آیا در کشور ما زاد منابع ارزی داریم؟

حسین افضلی فر

روزنامه جهان اقتصاد

روزنامه جهان اقتصاد از قول رییس کل بانک مرکزی در همایش مدیران ارشد بانک سپه با تیتراژ «مازاد منابع ارزی داریم» نقل کرده است که «مجموع درآمدهای ارزی همراه با درآمد صادرات رقمی بالای ۱۰۰ میلیارد دلار است، اگر فرض را صرفاً براساس درآمدهای نفتی بگذاریم با هزینه‌هایی که در بخش واردات داریم باز هم مازاد منابع خواهیم داشت. بنابراین از نظر ذخیره ارزی و درآمدها مشکلی نداریم...».

تدقیق در صحبت‌های ریاست بانک مرکزی برخی پرسش‌های اساسی را در ذهن متبادر می‌کند که اولاً چرا تحت شرایط مازاد ذخایر ارزی در کشور از اواسط سال ۱۳۸۹ تا اواخر سال ۱۳۹۰ شاهد شدیدترین نوسانات و بی‌ثباتی در بازار ارز طی یک دهه گذشته بوده‌ایم و ثانیاً اگر مازاد ذخایر ارزی وجود دارد چرا بانک مرکزی تا کنون آنرا بدرستی بین واردکنندگان و تولیدکنندگان توزیع نکرده است.

مروری بر آمارهای رسمی بانک مرکزی (براساس آخرین نماگر اقتصادی-شماره ۶۳-مربوط به سه ماهه چهارم ۱۳۸۹) نشان می‌دهد که برخلاف صحبت‌های ریاست بانک مرکزی، تغییر در ذخایر بین‌المللی ایران (شامل تغییرات در حساب ذخیره ارزی و تغییر در ذخایر بین‌المللی بانک مرکزی) در این سال منفی بوده است بطوریکه در سال یاد شده ۹۴۷ میلیون دلار از ذخایر بین‌المللی ایران کاسته شده است. البته این میزان از کاهش سال قبل از آن که بالغ بر ۷۲۶۸ میلیون دلار گزارش شده است کمتر می‌باشد (نکته مهم آن است که در سالهای پیش از آن همیشه شاهد افزایش در این ذخایر بوده‌ایم). همچنین مروری بر تغییر ذخایر بین‌المللی یا ترازپرداختها در یک کشور شامل دو حساب کلی جاری و سرمایه نشان می‌دهد که رقم حساب جاری طی سالهای مختلف در ایران با احتساب درآمدهای نفتی همیشه مثبت بوده اما کسری حساب سرمایه در سال ۱۳۸۹ با کسری ۲۴۷۳۳ میلیون دلاری مواجه شده است. این کسری نشانگر خروج سرمایه از کشور است که طی سالهای گذشته هنوز روند خود را حفظ کرده است.

اگرچه برای تحلیل اطلاعات سال ۱۳۹۰ باید منتظر انتشار آمار دقیق از سوی بانک مرکزی باشیم اما بنظر نمی‌رسد که روند صادرات و واردات کشور تغییرات چندانی را تجربه کرده باشد. نکته حایز اهمیت آن است که طی دو سال اخیر (که شاهد تغییرات شدیدی در بازار ارز بودیم) کسری حساب سرمایه و خروج ارز عامل اساسی در کاهش ذخایر ارزی کشور بوده و تقاضا برای واردات به هیچ‌وجه عامل اصلی در نوسانات ارزی کشور نبوده است. لذا باید عوامل اصلی اثرگذار بر خروج سرمایه از کشور را بیش از پیش ریشه‌یابی کرد وگرنه صرف بیشتر بودن درآمدهای ارزی کشور از میزان واردات مشکل اصلی که خروج سرمایه از کشور می‌باشد را برطرف نمی‌کند.

مجموعه این شرایط بگونه‌ای برخلاف تحلیل ریاست بانک مرکزی است که در این همایش اظهار کرد «اقتصاد ما بیشتر متأثر از مسائل روانی است تا متغیرهایی مثل عرضه و تقاضا». به بیانی ساده شاید یکی از دلایل التهابات در بازار ارز کشور ناشی از تقاضای ارز به‌منظور خروج سرمایه از کشور بوده است و به هیچ‌وجه نباید این نوسانات را ناشی از عوامل روانی صرف دانست. در بهترین حالت باید گفت که عوامل روانی اوضاع را تشدید کرده است ولی زمینه‌های کاهش ارزش پول ملی پیش از آن وجود داشته که اصلی‌ترین آن خروج سرمایه از کشور می‌باشد.

البته بدیهی است که بیان چنین گفتمانی از سوی بالاترین مقام پولی کشور با هدف جلوگیری از تشدید التهابات و ایجاد جو روانی مثبت صورت گرفته است اما در این خصوص توجه به چند نکته ضروری است. نخست آنکه فعالان اقتصادی اطلاعات نسبتاً دقیقی از شرایط بازار دارند و بیان مکرر شرایط مثبت در جامعه پس از مدتی کارکرد خود را از دست خواهد داد. دوم آنکه فعالان اقتصادی شاید در کوتاه‌مدت تحت تاثیر جو روانی ناشی از چنین القائاتی قرار گیرند اما در میان‌مدت و بلندمدت براساس واقعیات اقتصادی و «نرخهای محقق شده» تصمیم می‌گیرند. سوم آنکه آیا نیاز است که همواره همه چیز در اقتصاد ایران مثبت جلوه داده شود؟ تحت این شرایط چه زمانی آحاد جامعه در همراهی و همکاری با مسئولین برای عبور از برخی گردنه‌ها و مشکلات وارد کارزار خواهند شد؟ چهارم آنکه بی‌تردید در بسیاری موارد اقرار به مشکلات و کاستی‌ها نه تنها نکته منفی نیست بلکه گام اول بسوی اصلاح است.

براین اساس باید گفت که در دو سال گذشته برخی از عوامل مانند کنترل نرخهای سود سپرده‌های بانکی در سطحی پایین‌تر از تورم مورد انتظار مردم، مشکل مزمن خروج سرمایه از کشور، مشخص

نبودن سیاستهای ارزی بانک مرکزی در مقاطع زیادی از سال ۱۳۹۰ و در آخر جو روانی سال قبل هر یک به نوعی در نوسانات شدید بازار ارز سهیم بوده‌اند. اگر بانک مرکزی از سال ۱۳۸۸ به آرامی و به تدریج نرخهای ارز را تعدیل می‌نمود، نوسانات شدید سال ۱۳۹۰ رخ نمی‌داد. اعلام اینکه شرایط خوب است و تنها جو روانی باعث اتفاقات سال قبل شد و اینکه "اقتصاد ما بیشتر متاثر از مسائل روانی است تا متغیرهایی مثل عرضه و تقاضا" به معنای پاک کردن صورت مساله است. حقیقت این است که اگر درک و انتظارات مردم و فعالان اقتصادی نیز با آنچه که از سوی ریاست بانک مرکزی اعلام می‌شود هماهنگ باشد نباید شاهد خروج سرمایه از کشور باشیم و بالعکس باید شاهد افزایش روند تشکیل سرمایه در کشور باشیم، اما آمارهای بانک مرکزی خلاف این ادعا را نشان می‌دهد.